

# سیاست یک بام و دو هوا در گفتمان حجاب

## کریستیان هافمن

درآمد: چرا مناقشه‌ی کنونی بر سر «پوشش زنان» نشانه‌ی مردسالاری است؟ چرا می‌توان بدن زن را میدان نبرد سنت و مدرنیته دانست؟ آیا پیروزی احتمالی نظام سرمایه‌داری در این مبارزه را باید به فال نیک گرفت؟<sup>۱</sup>

در بایگانی‌های عکس‌های تاریخی ایران، مجموعه عکسی وجود دارد که متعلق به سال‌های ۱۹۳۰ (۱۳۱۰) است. عکس‌های این مجموعه زنان و مردانی را نشان می‌دهد که لباس‌های اروپایی به تن کرده‌اند و هیچ زنی در آنها چادر یا روسری به سر ندارد. وجه مشترک عجیب عکس‌ها این است که زنان در تمام آنها با وحشت به دوربین نگاه کرده‌اند یا نگاه‌شان را به زمین دوخته‌اند. عکس‌ها متعلق به خانواده‌های اشرافی ایرانی است و به فرمان رضا شاه پهلوی در دورانی که پیکار او برای کشف حجاب زنان در ایران به اوج خود رسیده بود، گرفته شده است. او می‌خواست ایران را به کشوری متجدد و غرب‌گرا تبدیل کند و از این رو، پوشیدن چادر را نماد عقب‌ماندگی می‌دانست.

در آن دوران، قانون ممنوعیت حجاب در خیابان‌های تهران با خشونت بسیار بیشتر از آنچه اخیراً در مورد ممنوعیت بورکینی در سواحل فرانسه شاهدش بودیم اجرا شده بود؛ به طوری که چادرها را روی سر زنان و در روز روشن، پاره می‌کردند و این یعنی که زنان را به نام متجددسازی برهنه می‌کردند. در هفته‌های اخیر، حوادث مشابهی در سواحل فرانسه رخ داد زیرا زنان بورکینی‌پوش را تهدیدی برای زندگی متجدد و غربی می‌پندارند. این در حالی است که شاید فقط کمی بیش از نیم قرن پیش، زنان در سواحل اروپا نه به علت پوشاندن بیش از حد بلکه به علت پوشاندن کمتر از حد مجاز بدن‌شان جریمه می‌شدند. هفتاد سال پیش که بیکیینی به بازار آمد، جنجالی کمتر از بورکینی به پا نکرد. در واقع، در ابتدا تقریباً در سراسر جهان پوشیدن بیکیینی ممنوع بود.

از آن زمان تا کنون، بدن زن میدان نبرد سنت و مدرنیته بوده است. از زمان آزاد شدن تن زنان از شکم‌بندها گرفته تا دوران مبارزه بر سر پوشیدن شلوار، دامن کوتاه، شلوارک کوتاه و چسبان، بیکیینی و روسری، همیشه اوضاع همین بوده است.

<sup>۱</sup> کریستیان هافمن از روزنامه‌نگاران ارشد نشریه‌ی اشپیگل در برلین است. این مقاله، ترجمه‌ای است از برگردان انگلیسی کریستوفر سلطان از مقاله‌ی هافمن که به زبان آلمانی منتشر شده است:

Christiane Hoffmann, [‘Double Standards in the Headscarf Debate’](#), SPIEGEL ONLINE, September 09, 2016.

آنچه در تمام این دوران تحت نظر قرار گرفته، برایش تعیین تکلیف شده و ممنوعیت‌هایی در موردش اعمال شده، پوشش زنان بوده و این مردان بوده‌اند که تعیین کرده‌اند زنان چه بپوشند یا نپوشند. پیش از این در اروپا، بحث بر سر این بود که زنان چه بخش‌هایی از تن‌شان را اجازه دارند که نشان دهند. اما اکنون بحث به این شکل تغییر کرده که زنان چه بخش‌هایی از تن‌شان را باید نشان دهند.

## اخلاقیات خاص اجتماعی

لباس که پوست دوم ما به شمار می‌آید، امری کاملاً شخصی و در همان حال، سیاسی است. پوشش فرد در عین این‌که بیانگر هویتش است، بیانیه‌ای در معرفی شخصیت و صفات، جایگاه اجتماعی و جهان‌بینی، حرفه، سن و جنسیت او نیز محسوب می‌شود. خواه پیراهنی با یقه‌ی خز ببوشیم یا زیرپوشی رکابی، شورت ورزشی یا کت و شلوار رسمی، کفش پاشنه بلند، سندل یا چکمه‌ی سوارکاری، لباس ما همواره همچون پیامی است که برای "خودمان بودن" یا "دور شدن از خودمان"، اغوا کردن دیگران یا بازداشتن آنها از نزدیک شدن به خودمان می‌فرستیم. لباس ما را هم‌رنگ جماعت می‌کند یا برعکس، تک‌رو جلوه می‌دهد. آنهایی که در مورد پوشش زنان امر و نهی می‌کنند، معمولاً به قصد تغییر جامعه و یا حفظ اخلاقیات خاص اجتماعی به این کار دست می‌زنند. تا کنون، قرار بر این نبوده که خود زنان برای پوشش‌شان تصمیم بگیرند زیرا لباس آنها نمادی از میدان نبرد بوده است. در ساحلی در نیس، مردی با کامیون به جمعیتی حمله می‌کند و ۸۶ کشته به جا می‌گذارد و نتیجه این می‌شود که در سواحل کن که ۳۳ کیلومتر (۲۱ مایل) از نیس فاصله دارد، پوشیدن بورکینی را برای زنان ممنوع می‌کنند.

امروز، اوضاع طوری شده که رابطه‌ی ما با اسلام بر اساس شیوه‌ی نگرش‌مان به حجاب، برقع و بورکینی مشخص می‌شود. برقع و روسری را به عنوان نماد در نظر می‌گیریم. اما دقیقاً نماد چه چیز؟ نماد ستم به زنان در اسلام، یا اعتراض آنها علیه سلطه‌ی غرب؟ حجاب می‌تواند در حکم خیلی چیزها باشد. می‌تواند نشانه‌ی ادعای یک مرد در مورد مالکیتش بر همسرش و تضمین‌کننده‌ی این باشد که مردان دیگر نتوانند به او نگاه کنند. می‌تواند مثل پیام یک زن به مردان عمل کند و به آنها بگوید که او در دسترس‌شان نیست. اما وقتی به شکل روسری‌های رنگارنگ روی سر زنانی ظاهر می‌شود که چاشنی آرایش غلیظ، کُت چسبان و کفش پاشنه بلند را به آن اضافه کرده‌اند؛ یعنی در قسمت موی سرشان، عقیف و از آنجا به پایین، شهوانی به نظر می‌رسند، می‌تواند وسوسه‌انگیز هم جلوه کند.

باربارا وینکن، پژوهشگر ادبی می‌گوید: «گفتمان برقع به ما اجازه می‌دهد که از زاویه‌ی جدیدی به نقش اجتماعی خود به عنوان زن بنگریم.» او همچنین معتقد است که مردان و زنان در فرهنگ غربی از هیچ نظر در موقعیتی برابر قرار ندارند. مردان کت و شلوار می‌پوشند و تنها جایی که از بدن‌شان پیدا است صورت‌شان است و به این ترتیب، به ندرت پیش می‌آید که لباس‌های مردانه پیامی شهوانی را انتقال دهند. تا سال‌ها، مردان نمی‌خواستند که زنان شبیه آنها لباس بپوشند. این را که زنی شلوار بپوشد - که نشانه‌ی قدرت، موفقیت و شایستگی بود - نمی‌پسندیدند. آنگلا

مرکل، صدراعظم آلمان، همچون اغلب وزرای زن کابینه اش کت و شلوار می پوشد. حتی امروز هم امکان جدی گرفتن آن دسته از زنان آلمانی که به جای دامن، کت و شلوار می پوشند بیشتر است.

## نگاه خیره‌ی مردان

گفتمان برقع، به ما حسی از عدم امنیت می دهد زیرا باعث می شود از خود بپرسیم که به طور دقیق، مد لباس زنانه در غرب تا چه میزان متکی به نفس است و تا چه حد از الزامات اجتماعی، فشار گروه‌های خاص، عرف، شوهای تلویزیونی نظیر برنامه‌ی «بهترین مانکن آینده‌ی آلمان» و آنچه از سوی صنعت مد دیکته می شود تأثیر می پذیرد؟ میان فمینیست‌ها هنوز بر سر این که آیا دیده شدن تن زن، عریانی و پوشیدن دامن کوتاه واقعاً نشانه‌ی آزادی است یا این که زن را به شیئی جنسی تنزل می دهد اختلاف نظر وجود دارد.

در اسلام، نگاه خیره‌ی مردان به زنان نقش تعیین کننده‌ای دارد. حجاب در سنت محمد، پرده‌ای بوده که همسران او را از نگاه خیره‌ی مردانی که به ملاقاتش می آمدند محافظت می کرده است. فرهنگ اسلامی تفاوتی بنیادین با فرهنگ غربی دارد زیرا در آن رسم بر این است که آنچه ارزشمند است از دیده پنهان بماند. هیچ تصویر و قطعاً هیچ تمثالی در مساجد وجود ندارد. در فرهنگ اسلامی، شفافیت و مشهود بودن، بار معنایی مثبتی ندارد و برتری با چیزی است که پنهان، نامرئی و مبهم است. حجاب نیز به احترام زنان طبقه‌ی ممتاز به وجود آمد زیرا زنان طبقات محروم‌تر همیشه مجبور بودند که خارج از خانه کار کنند. زنی که چادر به سر دارد چگونه می تواند در مزارع کار کند؟ پس چادر به پوشش مختص زنان طبقه‌ی ثروتمند و ممتاز تبدیل شده بود.

اما غرب روشن اندیش نیز به تعیین حد و مرزهایی برای نگاه خیره‌ی مردان حریص، بی‌علاقه نیست. اغلب می شنویم که از «توانایی کنترل امیال» به عنوان یکی از امتیازهای مردان در غرب متمدن یاد می کنند، اما برای همان نیز محدودیت‌هایی قائل اند. برای مثال، پارسال آلمان درگیر مناقشه‌ی کوتاه مدت اما داغی بر سر پوشیدن شلوارک‌های چسبان و کوتاه در مدارس بود. مدیر مدرسه‌ای در جنوب غربی ایالت بادن وورتمبرگ در نامه‌ای به والدین دانش آموزان اعلام کرد که قرار است پوشیدن شلوارک خیلی کوتاه در مدرسه‌ی او ممنوع شود. او می خواست از پرت شدن حواس دانش آموزان پسر و معلمان مرد بر اثر اغواکنندگی آشکار دانش آموزان دختر جلوگیری کند.

و چندی پیش، دختر پانزده ساله‌ی من نیز نامه‌ای از معلم تربیت بدنی اش به خانه آورد. ما به عنوان والدین او باید نامه‌ای را امضا می کردیم که در آن از همه‌ی والدین خواسته شده بود تعهد بدهند که دختران شان در کلاس‌های ورزش لباسی کاملاً پوشیده و مناسب بپوشند. لخت بودن شکم و همچنین پوشیدن رکابی‌های نازک در کلاس ورزش برای دختران ممنوع شده بود. نویسنده‌ی نامه این نکته را نیز تذکر داده بود که اندازه‌ی قسمت سرشانه‌ی لباس دختران باید دست کم به پهنای سه انگشت باشد. از نامه این طور برمی آمد که انگار مدرسه‌ی دختر من بی‌علاقه نیست که دختران برای مثال، در مسابقات دوی امدادی، بورکینی بپوشند. به نظر مدرسه اعمال این محدودیت‌ها برای جلوگیری از آسیب زدن پسرها به خودشان لازم بود. معلم تربیت بدنی موضوع را به دختران این طور توضیح داده بود: «اگر این

کار را نکنیم، ممکن است پسرها به کارهای غیرمنتظره‌ای دست بزنند.» با این حال، جالب است که هنوز برای خود پسرها هیچ قانونی نگذاشته‌اند و آنها حتی مختارند که با بالاتنه‌ی کاملاً لخت در زمین‌های بازی مدرسه ظاهر شوند. نامصفانه بودن این قواعد دخترها را عصبانی کرده بود.

## هر آن چه یک زن انتخاب کند

باید گفت که بعضی دولت‌ها گاهی برای پوشش مردان نیز تعیین تکلیف کرده‌اند. مشهورترین نمونه‌اش «انقلاب کلاه» کمال آتاتورک است. در ترکیه‌ی دهه‌ی ۱۹۲۰، دستاری که مردان ترک طبق سنت به سرشان می‌بستند درست مثل حجاب و روسری زنان، نماد عقب‌ماندگی به شمار می‌آمد. آتاتورک در سخنرانی معروفش درباره‌ی کلاهش، به ستایش کلاه‌های سبک غربی پرداخت و در پی آن، این قانون را صادر کرد: «پوشش سر برای کل جمعیت ترکیه کلاه است و دولت استمرار عادت‌های مغایر با این قانون را ممنوع می‌کند.» در مورد زنان، کار به جایی رسید که حجاب، به طور کلی از مکان‌های عمومی حذف و در مدارس، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دولتی ممنوع شد. بنابراین، بازگشت حجاب به ترکیه در دوران رئیس‌جمهور کنونی این کشور (رجب طیب اردوغان)، فقط نشانه‌ی اسلامی کردن ترکیه نیست بلکه بیانگر اعتراض علیه دولتی سکولار و مستبد است.

در قرن گذشته، مبارزه بر سر لباس رویارویی سنت و مدرنیته به شمار می‌رفت اما امروز این مبارزه تحت‌الشعاع تقابل اسلام و غرب قرار گرفته است. خارج از جهان غرب، سبک پوشش اغلب به جست‌وجوی هویتی منحصر به فرد و غیر غربی پیوند خورده است. هدف از آن نیز حفظ سنت‌ها یا ایجاد دوران مدرن متفاوتی است. کت مائویی و پیراهن نهرویی نیز همچون مدهای لباس زنانه برای مسلمانان متجدد، نمونه‌ای از لباس‌هایی محسوب می‌شوند که به این نوع ایده‌ها تجسم بخشیده‌اند. جهانی‌سازی به رژه‌ی فاتحانه‌ی مارک‌های لباس غربی در سراسر جهان منجر شد. به نظر می‌رسد که هم‌اکنون دیگر سبک پوشش غربی، از کت و شلوار و کراوات گرفته تا شلوار جین، تی-شرت و کفش کتانی کاملاً جهانی شده باشد. در عین حال، جهانی‌سازی به جنبش معکوسی نیز پیوند خورده و به این ترتیب، پوشش غیر غربی هم به خیابان‌ها و مدارس شهرهای ما راه یافته است. ما چنین چیزی را «محدودیت»، «عمل تحریک‌آمیز» و نشانه‌ای از شکست پروژه‌ی ادغام مهاجران در کشور می‌شماریم و بر سر حجاب، جنگ راه می‌اندازیم.

مبارزه بر سر حجاب در هیچ نقطه‌ای از جهان به اندازه‌ی فرانسه شدید نبوده است. این در مورد فرانسه‌ی چند دهه‌ی قبل نیز صدق می‌کند؛ مثلاً در سال ۱۹۸۹ در نتیجه‌ی مناقشه‌ی معروف به مناقشه‌ی حجاب، سه دختری که حاضر نشدند روسری‌شان را از سر بردارند، از مدرسه‌ای در فرانسه اخراج شدند. دولت فرانسه در سال ۲۰۰۴، حجاب را در تمام مدارس دبستان و راهنمایی دولتی ممنوع کرد و پوشیدن برقع نیز در سال ۲۰۱۱ در سراسر فرانسه قلع‌و‌معقل شد. همین حالا در آلمان قوانینی وجود دارد که برای زنان تعیین می‌کند که چه جاهایی اجازه دارند یا ندارند که محجبه باشند. مبارزه بر سر حجاب بیانگر محدودیت‌های لیبرالیسم روشنفکرانه‌ی ما است. انگار که ناگهان از یاد می‌بریم

که چه قدر می‌خواهیم لیبرال باشیم. اکنون لیبرال نبودن خود را در پوشش این ادعا که می‌خواهیم زنان فرهنگ‌های دیگر را آزاد کنیم، مخفی کرده‌ایم.

شاید در نهایت، نظام سرمایه‌داری در این نبرد پیروز شود که البته در این مورد خاص، اتفاق خیلی بدی هم نیست زیرا همین حالا نیز طراحان مد غربی دارند مدهایی برای مسلمانان طراحی می‌کنند. خانه‌ی مد «دی کی ان وای»، که در سال ۲۰۱۴ «مجموعه‌ی رمضان» را ارائه داد، از پیشگامان این حوزه بود. عکس این موضوع نیز صادق است یعنی مدهای شرقی هم بر طراحان مد غربی تأثیر می‌گذارند. پس شاید بتوانیم روزی را ببینیم که قوانین مربوط به پوشش در سراسر جهان لغو شده و پوشیدن هر لباسی مجاز است و زنان می‌توانند هر چه بخواهند، بپوشند.

برگردان: سپیده جدیری